

کودتای خونین سال یازدهم هجری قمری

علیک سلامی

سوره هاشمی منزل و مدبر و بروج

باصادقان

سایت رسمی جناب آقای غلامرضا صادقی فرد

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وبلاگ

« اعلام برنامه مناسبت های مذهبی
« انتشار محتوای ارائه شده در مناسبت های مختلف
« نگاهی دقیق و تازه به تاریخ اسلام
« بررسی اعتقادات شیعه و شبهات وارد شده

پرسش و پاسخ



فروشگاه



وبلاگ



پخش زنده





برای دریافت فایل‌های صوت،
متن و پاورپوینت مربوط به
مباحث مطرح شده در این شبها
می‌توانید به پایگاه اینترنتی

www.sadeqifard.com

مراجعه کنید.

کودتای خونین سال یازدهم هجری قمری

علیک سلامی

سوره هاشمی منزل و مدبر و بروج



شب هشتم محرم ۱۴۴۳



السلام عليك يا أبا عبد الله
وعلى الأرواح التي حلت بفنائك
السلام على الحسين
وعلى علي بن الحسين
وعلى أولاد الحسين
وعلى أصحاب الحسين

﴿ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ

* بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ * وَاللَّهُ

مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ * بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ

* فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ﴿

سورة بروج، ١٧ تا ٢٢.

قال رسول الله ﷺ

ان لقتل الحسين (ع) حرارة في قلوب المؤمنين
لا تبرئ ابداً

كَذَّبَ الْمَوْتُ **فَالْحُسَيْنُ** مُحَمَّدٌ

كَلَّمَا أَخْلَقَ الزَّمَانَ تَجَدَّدَ

إِنَّ سَيْفَ **الْحُسَيْنِ** حَيًّا وَمَيِّتًا

يَحْسِمُ الْكُفْرَ مُغَمَّدًا وَمُجَرَّدَ



تورا به دست گرفته به آسمان بدهد

گل محمدی اش را به باغبان بدهد

که برگهای تورا یک به یک جدا کردند

بغل گرفته به زهرا تورا نشان بدهد

تورا بریده بریده صدا کند ... ولدی

اگر که هلله های کمی امان بدهد

بغل گرفته تورا و تن تومی ریزد

خودت بگو که چگونه تورا تکان بدهد

بلند شو پدرت را به خیمه برگردان

و گرنه پیش تن زخمی تو جان بدهد

بلند شو به لبش بوسه دوباره بده

و گرنه بعد تو بوسه به خیزران بدهد

محسن حنیفی

زيارت حضرت على اكبر عليه السلام در نيمه رجب:

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ. فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ
الطَّاهِرُ إِلَى رَبِّكَ، فِي حَظِّ الْأَثْقَالِ عَنْ ظَهْرِي، وَتَخْفِيفِهَا عَنِّي. وَارْحَمْ
ذُلِّي وَخُضُوعِي لَكَ، وَلِلسَّيِّدِ أَبِيكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا. (ثُمَّ انْكَبَّ
عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ): زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي الْآخِرَةِ، كَمَا شَرَّفَكُمْ
فِي الدُّنْيَا، وَأَسْعَدَكُمْ كَمَا أَسْعَدَ بِكُمْ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَعْلَامُ الدِّينِ،
وَنُجُومُ الْعَالَمِينَ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

زيارت حضرت على اكبر عليه السلام در نيمه رجب:

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ. فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ
الطَّاهِرُ إِلَى رَبِّكَ، فِي حَظِّ الْأَثْقَالِ عَنْ ظَهْرِي، وَتَخْفِيفِهَا عَنِّي. وَارْحَمْ
ذُلِّي وَخُضُوعِي لَكَ، وَلِلْسَيِّدِ أَبِيكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا. (ثُمَّ انْكَبَّ
عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ): زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي الْآخِرَةِ، كَمَا شَرَّفَكُمْ
فِي الدُّنْيَا، وَأَسْعَدَكُمْ كَمَا أَسْعَدَ بِكُمْ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَعْلَامُ الدِّينِ،
وَنُجُومُ الْعَالَمِينَ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

آیاتهای فکر و برنامه ریزی و طرح و نقشه برای کودکان

﴿ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ * بَلِ الَّذِينَ

كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ * وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ * بَلْ هُوَ

قُرْآنٌ مَجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ﴾ .
سوره بروج / ۱۷ تا ۲۲ .

لشکری از یهودیان کافر و منافقان مکی

آیات: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ * ...﴾ که به صورت یک جمله استفهامی مطرح شده، ترکیب لشکر کودتا را نشان می‌دهد. بر این اساس، این لشکر از یهودیان و منافقانی تشکیل شده بود که با یهودیان زندگانی می‌کردند و از آنان شده بودند. «فرعون» نماد یهودیان و ثمود نماد منافقان و به ویژه منافقان مکی است.

از تفسیرها ما تورا (۱۷۱)

۱: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ﴾

ح: مَجْرَمَانِ لِعَنَى فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ

سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا يَا

جنس و ویژگیهای این لشکریان

در لشکر کودتا، خبری از رحم و مروت و وداد نیست و ظرفهای تمام لشکریان از کینه و دشمنی و قساوت قلب به ویژه نسبت به خاتم پیامبران و خاندان او، پر شده است. منشور لشکر کودتا، زنده نگاه داشتن زنان و کشتن پسران است. منشور دیگر لشکر کودتا، سوزاندن کودتا زدگان با آتش هیزمی است.

لشکر کودتا، لشکری خالی از رحم و مروت و وداد

﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ * إِنَّهُ هُوَ يُبْدِيُ

وَيُعِيدُ * وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ * ذُو الْعَرْشِ

الْمَجِيدُ * فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ﴾
سوره بروج / ۱۲ تا ۱۶.

عذابی بدون مشابه

این آیات، برنامهٔ مقابله با کودکان چنان و افرادی
است که رو در روی «اصحابِ اخدود» قرار
گرفته‌اند. در این آیات، خدا از عذاب عظیمی سخن
گفته است که در کتاب خدا برای آن مشابهی
دیده نمی‌شود.

برنامهٔ مقابله با کودتا چیان

این عذاب عظیمِ خدا، «بطش شدید» است اما
«بطش شدید»ی که توقف ندارد و خدای حکیم
با تعبیر: ﴿إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّلُ وَيُعِيدُ﴾ از چپ و راست
کردن مجرمان شانی و شانئان مجرم با این «بطش
شدید» خبر می‌دهد.

و خدا غفور و ودود است

این مجازاتها آن گونه شدید است که این توهم را
پیش می آورد که با غفور و ودود بودن خدا منافات دارد
و خدا با عبارت: ﴿وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ﴾ در جا، به این توهم
پاسخ می دهد و خبر از آن می دهد، خدای کودتا چیان
را این گونه مجازات می کند که هم «غفور» است و
هم «ودود».

«روز بَطش شدید و کبرای» خدا روزی در دنیا

﴿يَوْمَ نَبِطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا

مُنْتَقِمُونَ﴾

سوره دخان/۱۶.

«بطش رب پیامبر» انتقام خداست

«بطش رب پیامبر» انتقام خداست؛ انتقام

خدا از افرادی که با «اصحاب اخدود» آن

کردند که آیات «سوره بروج» آنها را تصویر

کرده است.

انتقام خدای حکیم، تنها و تنها از «مجرمان»

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ

أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ

مُنْتَقِمُونَ﴾

سوره سجد ۵/۲۲.

یاد آور می شود:

«اصحاب اخدود»، آیات کبرای خداوند هستند و
خدای حکیم در کتابش بارها و بارها نسبت به شأن
و عظمت آنان و نسبت به برخورد با آنان به مؤمنان و
غیر مؤمنان تذکر داده و یعنی تمام این آیه، در شأن این
خاندان نازل شده است و جرم و مجرم تنها در همین
ارتباط معنی می شود.

تعریف قرآنی مجرم

مجرم تنها به کودتاچیان و افرادی
اطلاق می‌شود که رو در روی «اصحاب
اخدود» صف می‌کشند

انتقام خدا و نه مجازات گناه کاران

انتقام خدا تنها و تنها به این مورد اختصاص
دارد و این حکایت دیگری از شدت عذاب
است؛ شدت عذابی که روبه سوی «مجرمان»
دارد.

از سید مرتضیٰ قزوینی (۱۲۷۱)

۱: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ﴾

ط: مجربانی در مصاف با آیات کبرای خداوند

سلام الله ابداناً

منشور مجازات خدای جهانیان

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ

جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا

يُظْلَمُونَ﴾

سوره انعام / ۱۶۰.

مجازات‌های کاملاً مطابق با کار خطا

این منشور مجازات‌های خدای جهانیان است که او کار زشت را به میزان خود کار زشت، مجازات می‌کند و برای این قاعده و قانون، استثنایی هم قرار نداده و بلکه با عبارت: **﴿وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾** به این مطلب، تصریح کرده که **مجازات‌ها اگر بیش از این مقدار باشد، ظلم است و خدای غفور و دودِ عادل، ظالم نیست.**

خدا حتی از مشرکان نیز انتقام نمی گیرد

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا

دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ

فَقَدْ أَفْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾.

سوره نساء / ۴۸.

از نیکوکاران ما (۱۲)

۱: ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾

الف: تکذیبِ ہمارہ کافرشدگان

سلام اللہ ابد امان

تکذیبی مستمر

«بل» در آغاز ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾ برای

«اضراب» است و کمترین مفهومی که به آن

نسبت داده می‌شود، اثبات این مطلب است که

کافر شدگان همواره در تکذیب هستند.

جمله‌ای استفهامیه خطاب به خاتم پیامبران

آیات: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ﴾ یک

جمله استفهامیه و مخاطب آن، خاتم پیامبران

است. یعنی بعد از این پرسش باید منتظر پاسخ

خاتم پیامبران باقی ماند که «حدیث الجنود»، به او

رسیده یا نرسیده است.

رسیدن قطعی این مطلب به خاتم پیامبران

صورت این جمله، صورت استفهام است اما
واقع آن تثبیت این مطلب است که «حدیث

الجنود» _ که همان «حدیث فرعون و ثمود»

است _ به خاتم پیامبران رسیده است.

تکذیب هماره این حدیث

در ادامه و پس از طرح پرسش: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ
الْجَنُودِ...﴾، بلافاصله با عبارت: ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي
تَكْذِيبٍ﴾ اعلام شده است که کافران هماره در
تکذیب هستند. پس این پرسش نیز طبیعی است که
کافران چه چیزی را هماره تکذیب می‌کردند؟

تکذیب کافران نسبت به حدیث جنود

«بَلِّغُوا لِلَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبِكُمْ» این آیه را به آیه قبل متصل می‌کند و نشان می‌دهد که تکذیب مطرح شده در این آیه، تکذیب کافران نسبت به حدیث جنود است؛ جنودی که «فرعون» و «ثمود» است.

مردمان در جریان قرار گرفته بودند

ناگفته پیداست که کافران، چشم و گوش بسته و بدون اطلاع از این که این خبرها چیست، به تکذیب آنها نپرداخته بودند. یعنی باید قبول کرد که: این خبرها را خدا و پیامبر او برای مردم، اعم از کافران و مؤمنان ذکر کرده‌اند.

کاربردهای ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ...﴾ در قرآن

• ﴿وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى * إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى * فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى *...﴾. سورة طه، ۹ تا ۱۱.

• ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ * إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ * فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ﴾. سورة ذاریات، ۲۴ تا ۲۶.

کاربردهای ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ...﴾ در قرآن

● ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ مُوسَى﴾ * إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ
الْمُقَدَّسِ طُوًى * أَذْهَبُ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى﴾.

سوره نازعات، ۱۵ تا ۱۷.

● ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ * هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ
* وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * ...﴾.

سوره غاشیه، ۱ تا ۳.

کدام حدیث جنود؟

پس، حدیث جنودی که خدای حکیم برای کافران مطرح کرده و آنان به تکذیب آن پرداختند، کدام حدیث بوده و کجا آن را ذکر کرده است؟ آیا این مورد نیز مانند چهار مورد دیگر، در کتاب خدا و در همین آیات ذکر شده است؟

«حدیث الجنود» در آیات قبل از این آیه

آیات قبل از این آیه، همگی «حدیث الجنود» است؛ همان «حدیث الجنود»ی که حدیث فرعون و ثمود نیز هست.

یعنی حدیث جنود قبل از مطرح شدن این پرسش، مطرح

شده و یعنی حدیث فرعون و ثمود نیز قبل از مطرح شدن

پرسش ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ﴾ مطرح

شده است.

با وجود «بل» در آغاز این آیه، باید پذیرفت

این که کافران در «تکذیب»

هستند، حقیقتی است ثابت و غیر

قابل انکار.

«بل» اتصال دهنده این آیات با قبل

«الذین کفروا» هماره به تکذیب «حدیث

الجنود» می پرداختند؛ همان حدیث الجنودی

که حدیث فرعون و ثمود نیز هست.

تکذیب همیشگی یعنی

هم «حدیث الجنود» به پیامبر خدا رسیده و

هم خاتم پیامبران آن حدیث را برای

مخاطبانش مطرح کرده است.

منشأ نشر این حدیث

یا مردم از آیات آغازین «سوره بروج» تا به این مقطع،
از این اخبار با خبر شده‌اند و یا آنان از باطن این
آیات، به این اخبار دست یافته‌اند و یا آنان از آیات
دیگری از این موضوع با خبر شده‌اند که قبل از
این پرسش، بر خاتم پیامبران نازل شده است.

منشأ نشر این حدیث

در چنین حالتی باید در سوره‌های دیگری از کتاب خدا به دنبال این اخبار گشت؛ در سوره‌های دیگری که تا آن زمان نازل شده بود.

از تفسیرها ما تورا (۱۲)

۱: ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾

ب: تکذیبی نشانۀ کفر و ایمان کافر شدن

سلام التیز ابد اما

دو ویژگی از تکذیب همیشگی کافران

- عدم پذیرش این حدیث، نشانه کفر است.

- کافران خودشان را به تکذیب همیشگی این حدیث، ملزم کرده‌اند.

تکذیب هماره موضوع کافر شدن

نه تنها تکذیب کافر شدگان بر مبنای آیه:

﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾ قطعی است

که تکذیب هماره آنان نسبت به همین موضوع

قطعی است.

بحث یا بحثهایی از لشکر کشی

در عنوان این موضوع بحث یا بحثهایی از لشکر

کشی وجود دارد و موضوع این لشکر کشی به

گونه‌ای است که کافران یا کافرشدگان

خودشان را ملزم کرده بودند که به تکذیب

هماره این موضوع اقدام کنند.

کافر شدگان مجبور به تکذیب بودند

اخبار مطرح شده، به گونه‌ای بوده است که کافر شدگان خودشان را به «تکذیب هماره» این حدیث «ملزم کرده بودند؛ به تکذیب حدیثی که در آن بحث جنگ وجود دارد و پای خاتم پیامبران نیز در این جنگ یا جنگها وسط است.

شرافت زمخشری، رازی و طبّری و...

یا کافر شدگان از این آیات، چیزهایی را دریافت می‌کردند که زمخشری و رازی و طبّری از آنها دریافت نمی‌کردند و یا زمخشری و رازی و طبّری نیز از این آیات همین مطالب را دریافت می‌کردند اما خیانت آنان، آنان را به واکنشهایی آن گونه واداشته بود.

کافرشدگان و نه کافران

تعبیرهای «الَّذِينَ كَفَرُوا» با «كافرون»، «الَّذِينَ آمَنُوا» با «مؤمنون» و «الَّذِينَ هَادُوا» با «يهود»، بسیار متفاوت است و این در حالی است که با این زوج تعبیرها، معامله یک تعبیر می شود.

تعابیری که از گذشته افراد خبر می دهد

سه تعبیر اول که تعابیر فعلی هستند، نسبت

به سابقه کافران و مؤمنان و یهودیان

ساکت نیست در صورتی که سه تعبیر

دیگر به این سابقه، کاری ندارد.

کافر شده‌ها و نه کافران

با این اوصاف، در مورد تعبیر ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾ به طور خاص، باید پذیرفت که بحث این آیه در خصوص افرادی است که کافر شده‌اند نه در مورد افرادی که کافر بوده‌اند.

«تکذیب هماره» عامل فعل کفر شده و یا به عکس

تکذیب هماره کافرشدگان نسبت به «حدیث

المجنود» قطعی است، حال این پرسش مطرح است

که آیا فعل تکذیب عامل فعل کفر شده و یا فعل

کفر، افراد را به «تکذیب هماره» واداشته است؟

«کفروا» فعل است و «تکذیب» مصدر

در تعبیر: ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾، «کفروا»

فعل است و «تکذیب» مصدر و یعنی باید پذیرفت:

تکذیبُ عامل کافر شدن است، نه کفرُ عامل

تکذیب.

براین مبنا، باید پذیرفت که:

در تعبیر «الذین کفروا» در آیه: ﴿بَلِ الَّذِينَ

كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾، حتماً خود «الذین کفروا»

مد نظر است نه «کافرون».

افرادى با سابقه اسلام

در تعبير «الذین کفروا» اگر چنانچه فعل کُفروا قعاً
مد نظر باشد، باید پذیرفت:

این تعبير شامل افرادی می شود که سابقه اسلام را در
کارنامه خودشان داشتند و با اولین تکذیبشان در
خصوص این موضوع، از دایره مسلمانان خارج شدند.

اینان یا منافقند یا کافر

حال اگر چنانچه این افراد، چهرهٔ اسلام
خودشان را بعد از این ارتداد، حفظ کرده
باشند، منافقند و اگر چهرهٔ اسلام خودشان را
برهم زده باشند، مرتد کافرند.

جمع بین منافقان و کافران

تعبیر «الذین کفروا» در این آیه، میان
«منافقان» و «کافران» جمع کرده است.

از تفسیرها ما نوراً (۱۲)

۱: ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾

ج: کدام تکذیب

سلام الله ابدانها

مطرح شدن این حدیث به یکی از این سه صورت

- مطرح شدن حدیث الجنود.
- مطرح شدن حدیث فرعون و ثمود.
- مطرح شدن حدیث جنودی که فرعون و ثمود است.

تنها حالت سوم ممکن است روی داده باشد

تکذیب هماره حدیثی این گونه

عظیم، «الذین کفروا» را به کفر

و اداشته است.

آشکار شدن نقش الذین کفروا در این حدیث

بحث این آیات، بحث جنگ و لشکر کشی است و این که در زمان نزول این آیات، خبری از این جنگ و لشکر کشی هم به گوش نمی‌رسید و این که این جنگها و این لشکر کشیها در زمان آینده و حتماً رخ می‌دهد، سبب صدور حکمی دیگر شده است:

نقش «الذین کفروا» در این حدیث و در این لشکر کشیها، به خوبی روشن شده بود.

۱: ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾

د: آگاہی از روی بیان خاستم پیامبران

یا از روی الفاظ و واژه های قرآن

بیان قرآن کار خدای حکیم

﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا

جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ

﴿إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾

سوره قیامت / ۱۶ تا ۱۹.

«ذکر» ابزار پیامبر رحمت برای «تبیین»

... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ

لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ

يَتَفَكَّرُونَ

سوره نحل / ۴۴.

نزول «بیان قرآن» بر پیامبر رحمت

اگر این «ذکر» همان «بیان قرآن» باشد _ که
ضوابط کلام نشان می‌دهد، همان است _ خدای
حکیم «بیان قرآن» را نیز بعد از نزول قرآن و بعد از
تبلیغ آن توسط پیامبر رحمت، بر پیامبر رحمتش
نازل کرده است.

تبیین این آیات برای مخاطبان

تعبیر: ﴿...وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ خبر از وظیفه مهمی در این ارتباط می‌دهد که خدای جهانیان آن را بر عهده خاتم پیامبران قرار داده است. بر این مبنا، پیامبر خدا باید آن چه را بر مردم نازل شده است، برای آنان «تبیین» کند.

«ارائه» ای ویژه علاوه بر نزول «ذکر»

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ...

سوره نساء، ۱۰۵.

بیانگری پیامبر رحمت در موارد اختلاف

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ

لَهُمُ الَّذِي آخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

سوره نحل / ۶۴.

تبعیت پس از تبیین پیامبر خدا

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ﴾

فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿

سورہ انعام، ۱۵۵.

وظیفہ ہمگانی پس از این «تبیین»

﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ

وَلَا تَتَّبِعُوا مِمَّن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ...﴾

سورہ اعراف، ۳.

تبیین کتاب استثنا پذیر نیست

پیامبر رحمت، آیات این سوره را نیز مانند تمام
آیات کتاب خدا برای مخاطبان تبیین کرده
سلام الله است با

جز سایه‌ای از این تبیینها، چیز دیگری به دست نرسیده

البته جز سایه‌ای از این تبیینها، چیز دیگری به دست نرسیده اما **حکم مخاطبان اولیّه آیات با ما متفاوت است. آنان این تبیینها را از زبان خود خاتم پیامبران شنیده بودند.**

تصریحی بر مطرح شدن حتمی این حدیث

دو آیه پایانی «سوره بروج» - یعنی آیات: ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ

مَجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾ - با صراحت هر چه

تمامتر اعلام می کند که: این حدیث، بخشی از قرآن

است و یعنی در همین آیات، «حدیث جنود» که

«حدیث فرعون و ثمود» است، مطرح شده است.

با این اوصاف

«الَّذِينَ كَفَرُوا» یا از راه خواندن خود این آیات،

به این حدیث پی برده‌اند و یا از راه تبیین خاتم

پیامبران به چنین آگاهی رسیده‌اند.

سابقه حتمی اسلام

کافران نه خود قرآن را می خواندند و نه به
تبینهای خاتم پیامبران گوش فرامی دادند و

یعنی باید پذیرفت: همه یا بسیاری از «الذین

کفروا» دارای سابقه اسلام بوده اند.

از تفسیر تائفا سورہ (۱۷۲)

۱: ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾

ہ: ہنی تکذیب

سلام اللہ ابد امانا

«فی تکذیب»

«فی تکذیب» جار و مجرور است و جار و مجرور متعلق می‌خواهد و متعلق آن، یکی از افعال عموم است. یعنی «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا كَانُوا فِي تَكْذِيبٍ» یا «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا مُسْتَقِرًّا فِي تَكْذِيبٍ» یا «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا حَاضِرًا فِي تَكْذِيبٍ» یا «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَابِتًا فِي تَكْذِيبٍ» و... که این ترکیبها همگی خبر از تکذیب هماره «الذین کفروا» می‌دهد.

تکذیب همارهٔ این حدیث

خواه «الذین کفروا» به کافران اشاره داشته باشد
و خواه به منافقان، هیچ یک از این دو گروه، به
تکذیب همارهٔ پیامبر خدا اشتغال ندارند تا چه
رسد به تکذیب همارهٔ حدیث فرعون و ثمود و تا چه
رسد به حدیث الجنود.

اندکی دقت

موضوع ناپیدا نیست بلکه نیازمند دقت است. از اتصال این آیه به آیه قبل دانسته می شود که این تکذیب در ارتباط با موضوع آیه قبل است اما این به آن مفهوم نیست که «الذین کفروا» صبح و شام به تکذیب حدیث فرعون و ثمود می پرداختند و موضوع به گونه ای بود که آنان باید، هم صبح به تکذیب این حدیث می پرداختند و هم شام.

درز کردن اخبار، سبب تکذیبهای جریان دار

تکذیبهای «الذین کفروا»، تکذیبهای جریان دار
است و لزوم این تکذیبهای جریان دار، به مفهوم
وجود اقدامهای زنجیره‌ای و جریان داری است که
در ارتباط با موضوع آیه قبل، «الذین کفروا» به آن
مشغول شده بودند.

«الذین کفروا» برای بقاء، به این تکذیبها نیاز داشتند

این تکذیبهای جریان دار و لزوم آنها، نشانه آن است که «الذین کفروا» برای بقاء، به این تکذیبها نیاز داشتند و نیاز «الذین کفروا» به این تکذیبها، مهر تأیید دیگری بر این واقعیت است که:

همه یا بسیاری از «الذین کفروا»، منافق بودند.

تکذیبهای جریان دار، نشانه نفاق

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ * أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ * وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ * وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ﴾ . سورة بقره / ۱۱ تا ۱۴.

از سید مرتضیٰ قزوینی (۱۲۷۱)

۱: ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾

الف: اتصالی جدا ناشدنی

سلام الله ابدانا

احاطه کامل خداوند نسبت به «الذین کفروا»

در ادامه آیات «سوره بروج»، خدای حکیم با عبارت:

﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾، از محیط بودن خودش

نسبت به «الذین کفروا» به صورت ویژه‌ای خبر

داده است. این آیه نیز به آیات قبل متصل است

از نسیب پیران ما خورا (۱۲۷)

۱: ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾

ب: دلالت احاطه خدا از پشت سر کافران

خدا بر همه چیز محیط است

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا﴾

سورة نساء/ ۱۲۶.

خدای جهانیان بر هر چیزی محیط است

﴿أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِئَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَّا

إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ﴾

سوره فصلت / ۵۴.

محیط بودن بر مجرمان به صورتی خاص

با وجود آن که خدای حکیم بر همه چیز محیط است، با عبارت: ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾ به صورتی خاص، از محیط بودن خودش نسبت به این تکذیب کنندگان خبر داده است. **ناگفته پیداست که برای باز کردن این پنجره خاص، حتماً برهانی وجود دارد.**

رابطه محیط بودن خدا و انجام اعمالی شوم به طور پنهانی

﴿يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ

اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ

الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا﴾

سوره نساء، ۱۰۸.

اتاقهای فکر و برنامه ریزی نقشه راه

تکذیب کنندگان به برنامه ریزی و نقشه کشیهای پنهانی مشغول بودند و این در حالی است که آیه ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾ به دلیل وجود تعبیر «مِنْ وَرَائِهِمْ»، در این ارتباط، با صراحت بیشتری به بیان این واقعیت پرداخته است و گویای بیشتری دارد.

از نیکوکاران و خیرین (۱۲)

۱: ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾

ج: نقشه و برنامه ریزی مکنذبان

سلام الله ابدانا

موضوع «حدیث الجنود» موضوع تکذیب مکذبان

تکذیب مکذبان مذکور در ﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾، حتماً به موضوع «حدیث الجنود» اختصاص دارد. برنامه ریزیها و نقشه کشیدنهای پنهانی آنان نیز به همین حدیث اختصاص دارد. این مطلب، اولین نتیجه‌ای است که از به هم پیوستگی این آیات به دست می‌آید.

نشر این اسرار عامل تکذیب مستمر

البته اگر اقدامهای مخفیانه منافقان مکی به بیرون درز نکرده بود و یا خدای عالمیان از این اقدامها خبری نداده بود و یا ... منافقان مکی به این همه تکذیب زنجیره‌ای مجبور نمی‌شدند.

نشر این اسرار عامل تکذیب مستمر

البته اگر اقدامهای مخفیانه منافقان مکی به بیرون درز نکرده بود و یا خدای عالمیان از این اقدامها خبری نداده بود و یا ... منافقان مکی به این همه تکذیب زنجیره‌ای مجبور نمی‌شدند اما نزول همین آیات و مانندهایش در این ایام، خودش مانند ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ * ...﴾، تمام پشت پرده منافقان را بیرون می‌ریزد و آنان را به تکذیبهای این گونه وادار می‌کند.

شاهد دیگری برای برنامه ریزی این گروه

﴿ذَرَّنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا * وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا *
وَبَنِينَ شُهُودًا * وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا * ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ *
كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا * سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا * إِنَّهُ فَكَّرَ
وَقَدَّرَ * فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ نَظَرَ
* ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ * ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ * فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا
سِحْرٌ يُؤْتَرُ * إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ﴾ .

سوره مدثر ۱۱ تا ۲۵.

معرفى اين عده با عنوان «مكذبان»

﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا * وَذَرْنِي
وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمُ قَلِيلًا * إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا
وَجَحِيمًا * وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا * يَوْمَ تَرْجُفُ
الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا * إِنَّا أَرْسَلْنَا
إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا *
فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا﴾. سورة مزمل ١٠/ تا ١٦.

مخاطبان را خدا به فرعون شبیه کرده است

نکته بسیار با اهمیت در این ارتباط، وجود آیات:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا

أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا * فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ

فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا﴾ در ادامه همین آیات است.

نزول سوره‌های مدثر و مزمل قبل از بروج

«سوره مدثر» و نیز «سوره مزمل» از اولین سوره‌هایی است که پس از علنی شدن دعوت، بر خاتم پیامبران نازل شده است. این سوره و به ویژه سوره مزمل، حتماً قبل از «سوره بروج» نازل شده و همان گونه که ملاحظه می‌شود، در این سوره، حدیث فرعون نقل شده است؛ خواه حدیث ثمود هم نقل شده باشد و خواه نشده باشد.

بنا بر این

«حدیث جنود» که همان «حدیث فرعون و ثمود»
باشد، علاوه بر آن که در خود «سوره بروج» به
بدیع‌ترین شکل ممکن مطرح شده در «سوره»
«مزمّل» نیز مطرح شده است.

از نیکو دینان ما خورا (۱۲)

بَلِّغْهُ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ *

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ

سلام الله ابد امان

اخبار این «حدیث» حتماً به آیندگان می‌رسد

«بل» در آیه: ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ﴾، این آیه را به آیه قبل و از آن طریق، به تمام آیات قبل ارتباط داده است. بر اساس این آیه، مرجع ضمیر «هُوَ»، قرآنی مجید است و بر اساس آیه: ﴿فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾، این «قرآن مجید» در «الوحی محفوظ» است.

تمام آیات این سوره ذکر «حدیث الجنود»

حال اگر چنانچه مقصود از «قرآن مجید»،

همین قرآن باشد، تمام آیات قبل از ﴿هَلْ أَتَاكَ

حَدِيثُ الْجُنُودِ﴾، ذکر «حدیث الجنود» است.

﴿ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴾ خبر از آن می دهد که ...

وجود آیه: ﴿ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴾ بعد از آیه: ﴿ بَلْ هُوَ
قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴾، یاد آور این نکته مهم است که:

آن چه در این آیات مطرح شده، بدون کم و
کاست و همان گونه روی خواهد داد که در این
آیات و در «قرآن مجید»، ثبت شده است.

از سن پیدایش تا قتل (۱۲)

حدیث کودنای خونین علیه السلام سال یازدهم هجری

سلام الله ابدًا ما بقدرت

آن چه گذشت نشان می‌دهد:

آیات «سوره بروج»، به عنوان اولین مصداق این لشکر کشیها، از کودتای خبر می‌دهد که در سال یازدهم هجری قمری رخ داد. این آیات از تمام مقابله‌های مجرمان ویژه با «اصحاب اخدود» و نیز با مؤمنان، خبری روشن می‌دهد.

خبر از مقابله‌های شدید با «اصحاب اخدود»

آیات «سوره بروج»، با دقت و تفصیل، از آینده دعوت خاتم پیامبران و از مقابله‌هایی خبر می‌دهد که با آن حضرت و با خاندان مطهر و معصوم آن حضرت و نیز با دعوت آن حضرت صورت گرفته است و صورت نیز می‌گیرد.

خبرهایی از اخبار آینده

این آیات را باید اخباری از آینده دانست که با قلم قدرت الهی، ریز به ریز، به ثبت این اخبار قبل از وقوع آنها پرداخته است. این مطلب را البته باید ترجمه دیگری از آیه شریفه: ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾ دانست.

مقتل حضرت علي أكبر عليه السلام

قالوا: ثم تقدم علي بن الحسين عليه السلام قالوا: ورفع الحسين عليه السلام سبابتة نحو السماء وقال: اللهم اشهد علي هؤلاء القوم فقد برز إليهم غلام أشبه الناس خلقا وخلقا ومنطقا برسولك، كنا إذا اشتقنا إلى نبيك نظرنا إلى وجهه، اللهم امنعهم بركات الأرض، وفرقهم تفريقا، ومزقهم تمزيقا، واجعلهم طرائق قديدا، ولا ترض الولاية عنهم أبدا، فأنهم دعونا لينصرونا ثم عدوا علينا يقاتلوننا.

مقتل حضرت علي أكبر عليه السلام

ثم حمل علي بن الحسين عليهما السلام على القوم وهو يقول:

- * أنا علي بن الحسين بن علي من عصابة جد أبيهم النبي
- * والله لا يحكم فينا ابن الدعي
- * أضربكم بالسيف أحمي عن أبي
- * أضرب غلام هاشمي علوي
- * أطعنكم بالرمح حتى ينثني

مقتل حضرت علي أكبر عليهما السلام

... فلم يزل يقاتل حتى قتل تمام المائتين ، ثم ضربه
منقذ بن مرة العبدي لعنه الله على مفرق رأسه ضربة
صرعته ، وضربه الناس بأسيا فهم ، ثم اعتنق صلوات
الله عليه فرسه فاحتمله الفرس إلى عسكر الأعداء
فقطعوه بسيوفهم إربا إربا .

علی اکبر لطیفیان

یک طور می زنند علی را که بعد از آن
شمشیرهای تیز دگر جمع می شوند
خیلی تلاش می کند آقا، چه فایده
این تکه تکه هاش مگر جمع می شوند
یک عده ای به دور پسر گریه می کنند
یک عده ای به دور پدر جمع می شوند

گاهی همه به دور پسر جمع می شوند

گاهی همه به دور پدر جمع می شوند

این ها که دست و پای علی را گرفته اند

هشتاد و چهار فاطمه سر جمع می شوند

وقتی میان خیمه نشسته، نشسته اند

وقتی که می رود دم در جمع می شوند

دارند این طرف چه قدر کم می شوند

دارند آن طرف چه قدر جمع می شوند

گیسوی خیمه ها همه آشفته می شود

دور و برش که چند نفر جمع می شوند

وای از علی، عقیابش اگر اشتباه رفت

وای از حسین دورش اگر جمع می شوند

یک طور می زنند علی را که بعد از آن

شمشیرهای تیز دگر جمع می شوند


خیلی تلاش می کند آقا، چه فایده

این تکه تکه هاش مگر جمع می شوند

یک عده ای به دور پسر گریه می کنند

یک عده ای به دور پدر جمع می شوند

علی اکبر لطیفیان



برای دریافت فایل‌های صوت، متن و
پاورپوینت مربوط به مباحث مطرح شده در

این شبها می‌توانید به پایگاه اینترنتی

www.sadeqifard.com

مراجعه کنید.